

۶۳۷

هکمتیست
کمونست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۳ اسفند ۱۴۰۰ - ۴ مارس ۲۰۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

جنگ در اوکراین:

جهان به کدام سو میرود!

صفحه ۳

گفتگوی تلویزیون پرتو بارحمان حسین زاده

روزهای تاریک و دردناکی در انتظار

مردم اوکراین است

صفحه ۸

حسین مرادیگی (حمه سور)

جنگ در اوکراین و "حقوق بشر" دروغین غرب

صفحه ۱۰

صالح سرداری

دمکراسی و فاشیسم روبنای سیاسی سرمایه داری

صفحه ۱۱

جاوید حکیمی

اعلامیه حزب حکمتیست در باره؛

بحران و جنگ در اوکراین

کارگران علیه جنگ امپریالیستی بپا خیزید!

اعلامیه حزب حکمتیست در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

روز جهانی زن

علیه جنگ و سرمایه داری

۸ مارس ۲۰۲۲ مانند دیگر مسائل جاری و مهم دنیای امروز، زیر فشار و سایه تاریک جنگ دولتهای سرمایه داری به حاشیه رفته است. امسال در مناسبت روز جهانی زن، شاهد همان ژست های توخالی فمینیستی هم نخواهیم بود، این سخنان آتشین جنگ طلبانه سیاستمداران بورژوا و مسابقه دولتها در تسلیح و لجستیک میدان جنگ است که حرف اول را میزند. رسانه ها بعنوان یک رکن مهم حاکمیت بورژوائی و ماشین پروپاگاندا و سانسور و پرووکاسیون، بدون کمترین شرمی با ادبیات زمخت راسیستی و فاشیستی فضائی را خلق کرده اند که سخن گفتن از برابری زن و مرد و رفع تبعیض براساس جنسیت مهجور بنظر برسد. در جهانی که سرنوشت و زندگی میلیاردها نفوس آن در گروگان تعدادی میلیتاریست و نژادپرست و ناسیونالیست و مذهبی متفرقه است، در دنیائی که گسترش جنگ و رقابت امپریالیستی خطر نابودی جمعی را بالای سر مردم جهان نگاهداشته است، دیگر کسی علاقه ندارد بخاطر بیاورد که همین هشت ماه پیش بود که یک جامعه را تحویل وحوش طالبان دادند. کسی از وضع مردم در فلسطین و ایران و لیبی و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نمی پرسد. حتی جنگهای جاری در این کشورها و آدمکشی در فضای جنگ کنونی به لایه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

روز جهانی زن

علیه جنگ و سرمایه داری ...

زیرین اخبار رسمی هم نمیرسد. فعلاً قدرتهای جهانی، در جنگ اوکراین مشغول تخریب و نابودی اند و "جنگ طولانی" را به ما وعده میدهند. ظاهراً قرار است نتیجه این جنگ طولانی سرنوشت محتوم میلیاردها بشر کره خاکی باشد.

ترکیدن دُمَل چرکین نژادپرستی در رسانه های بستر اصلی و سیاستهای دولتهای سوپر دمکرات، مانند خود جنگ، خلق الساعه نبود. نطفه این واپسگرایی و تمایلات فاشیستی و راسیستی در مغز استخوان ایدئولوژی طبقه حاکم است. اگر در شرایط "متعارف" این نژادپرستی خود را در اشکال ظریف تر در ساختار سیاسی و زندگی اجتماعی نشان میدهد، در شرایط جنگ و رقابت میلیتاریستی دولتها بطور عریان جلو صحنه می آید و توجیه میشود. این واقعیت در عین حال بیانگر اینست که سرمایه داری تا چه اندازه با امر برابری و رفع تبعیض بیگانه است.

دنیای امروز در عین تحول شگرف در تکنولوژی و بارآوری کار دنیای عقبگردهای فکری و فرهنگی است. سرمایه داری زمانی آمد دولتهای مدرن و ملتها را تشکیل داد، بورژوازی با انقلاب کشورها و هویتهای ملی رو بوجود آورد، طی یکدوره سخت و پرتلاطم شهروند و حقوق فردی و اجتماعی معنی پیدا کرد. در همین دوره کارگران خواستند از برابری حقوقی فراتر بروند و برای جامعه ای آزاد و برابری اقتصادی تلاش کردند. جهان دستخوش انقلاب و تغییر شد و کمونیست ها از حقوق کارگران در جهان، از حقوق زنان در جهان، از ارتقای حقوق انسانها در جهان سخن می گفتند. بورژوازی اما در چند دهه گذشته و بویژه بعد از پایان جنگ سرد، یک روند عقبگرد و دنده عقب تاریخی را در دستور گذاشت. فتح بازارها و غنائم جنگ سرد با سیاست هویتی و تکه پاره کردن کشورها، ملت سازی و دامن زدن به میلیتاریسم و نفرت قومی و مذهبی، میدان دادن به تعصبات جاهلانه مردسالار و مذهبی و فاشیستی، شکل دادن به جوامع و حکومت ها و قوانین براین اساس، همه تحت پرچم دمکراسی و دمکراتیزه کردن صورت گرفته است. دنیای امروز در متن جنگ دولتهای سرمایه داری، ماحصل این جد و جهد فکری چند دهه اخیر بورژوازی را در خطر فاشیسم مشاهده میکند.

با این روند، بحث حقوق فردی و اجتماعی مهم میشود. شما نمیتوانید بگویید حقوق برای زنان اروپائی و چشم آبی، حقوق زنان سیاهپوست، حقوق زنان مسلمان، حقوق براساس تحمل و محدودیت فرهنگ و مذهب. اگر بگویید برابری زن و مرد و حقوق انسان جهانشمول است، آنوقت سکوت کردن در مقابل اسارت و قتل عام زنان در افغانستان توسط طالبان، تجاوز دستجمعی به زنان در میانمار، برده داری در

لیبی و سودان، آپارتاید جنسی در ایران و افغانستان و کشورهای اسلام زده قابل قبول نیست. سرمایه داری بنا به تعریف نمی تواند نظامی برابر باشد، تنها برابری در سرمایه داری آزادی تجارت و استثمار فرد از فرد و رقابت سرمایه ها در باغ وحش بازار است.

بعد از شوک اولیه، افکار عمومی کارگران و مردم پیشرو علیه ماهیت و صورت مسئله اصلی جنگ بخت می شوند. صداهای واقعی تر از ضرورت صفبندی و مقابله انترناسیونالیستی طبقه کارگر و مردم ازادخواه جهان با جنگ امپریالیستی است. در ۸ مارس لازم است ۲۰۲۲ دید زنان و مردان برابری طلب و منتقد نظم کنونی تصویر چهره دنیا از ضروری است جنبش بین المللی برابری زن و مرد یکصدا علیه شود. علیه پیمانهای نظامی و جنگ سرمایه داران و دولتهای میلیتاریست بایستد علیه تلاش سرمایه داری برای تحریکات فاشیستی و راسیستی بایستد عقب راندن جامعه و کابوس گسترش جنگ و ویرانی و آوارگی سدهای علیه سوسیال شوینیسم و ناسیونالیسم و راسیسم با صدای بلند سخن ببندد بگوید و بر ضرورت اتحاد جهانی کارگران علیه سیاستهای دولتها و نظام در روز جهانی زن برای قطع فوری جنگ، علیه کاپیتالیستی سخن بگوید جنگ سرمایه داران، علیه حاکمیت طالبان، علیه نظام مبتنی بر نابرابری و تبعیض، استثمار و فلاکت، بردگی جنسی و فاشیسم بمیدان بیائیم.

سردبیر.

۳ فوریه ۲۰۲۲



مرگ بر جمهوری اسلامی!

و کشمکش در اوکراین است.

جنگ در اوکراین:

جهان به کدام سو میرود!

گفتگوی تلویزیون پرتو بارحمان حسین زاده



ابوبکر شریف زاده: ه نقش قدرت‌های جهانی در این جنگ اشاره کردید، گویا مسئله در خواست دولت اوکراین برای عضویت در ناتو و مخالفت دولت روسیه با آن، عامل شروع این جنگ است، این ادعا چقدر واقعی است؟

ابوبکر شریف زاده: جنگ روسیه و اوکراین با ویرانگری تمام در جریان است، موضع حزب کمونیست کارگری - حکمیتست در این رابطه چیست؟

رحمان حسین زاده: مسئله عضویت یا عدم عضویت اوکراین در ناتو نه علت این جنگ، بلکه یکی از معلولهای اهداف وسیعتر و ضد انسانی قطب‌ها و دولتهای درگیر در این کشمکش جهانی است. اگر مسئله این بود، از راه بده بستانهای معمول بین دولتها و "دیپلماسی" به نتیجه میرسیدند. همانطور که از سالها قبل و مشخصا از سال ۲۰۱۴ تقاضای عضویت اوکراین در ناتو مطرح بوده و به دلیل پیچیدگیها و مشکلات سر راه آن، مداوماً به عقب انداخته اند. حتی در این مورد دولت اوکراین اعلام آمادگی کرد، فعلا این تقاضا را به تأخیر میندازد و این به معنای این بود، که میشود به قول خودشان از مسیر "دیپلماسی" راهی برای آن پیدا کنند. دوطرف تحت پوشش "عضویت یا عدم عضویت" اوکراین در ناتو، دنبال تصفیه حسابهای پایه‌ای تری به قیمت تحمیل تباهی بر زندگی مردم هستند. در اینجا مسئله مهم اینست که "عضویت یا عدم عضویت" در ناتو صورت مسئله طبقه کارگر و مردم محروم نیست. این صورت مسئله بورژوازی ناسیونالیست حاکم در روسیه است که در رقابتهای بورژوایی مخالف گسترش دامنه عمل ناتو، و در مقابل، صورت مسئله بخشی از بورژوازی پروغری در اوکراین است که میخواهد به ناتو و اتحادیه اروپا بپیوندد. باید مواظب بود، کارگران و آزادیخواهان به دام صورت مسئله جناحهای بورژوایی نیفتند. اگر قدرت در روسیه و یا اوکراین به دست کارگران باشد، کلیه معاهدات اسارتبار بورژوا-امپریالیستی و از جمله مربوط به ناتو را لغو میکنند و براتحاد و ائتلاف و همبستگی کارگری و انسانی در این کشورها پافشاری میکنند. به نظرم در این مورد دولت پوتین مسئله عضویت اوکراین در ناتو را بزرگ جلوه داد و بهانه کرد، برای هجوم نظامی اش. واقعیت اینست دلایل پایه‌ای تری دولت روسیه را وادار به این لشکرکشی کرد.

ابوبکر شریف زاده: این جنگ چرا اکنون شروع شده و اهداف طرفین چیست؟

رحمان حسین زاده: اینکه چرا در این مقطع شروع شده، به نظرم یک دلیل مهمش اینست، هیئت حاکمه روسیه و پوتین بیش از هر دوره‌ای رقیب جهانی اش یعنی دولت آمریکا را در موقعیت ضعیف میدید. ناکامیهای آمریکا در تحمیل "سرکردگی" اش بر جهان و طرح نظم نوین جهانی و طرح خاورمیانه بزرگش" و مشاهده ناکامیهای هیئت حاکمه آمریکا در خاورمیانه، عقب نشینی از عراق و افغانستان آن هم با آن شیوه مفتضح، هیئت حاکمه ناسیونالیست روسیه را وسوسه کرد که وقتش است با زور نظامی سهم خواهی خود را به عنوان یک قدرت بزرگ در معادلات جهانی تثبیت کند. به ویژه به همراهی چین به عنوان غول اقتصادی در حال پیشرفت امروز و دیگر قدرت جهانی

جنگ در اوکراین:

جهان به کدام سو میرود ...

امیدوار است.

اهداف طرفین چیست؟ هر کدام اهداف چند لایه ای دارند. اهداف فوری دولت روسیه، لغو تقاضای عضویت اوکراین در ناتو و به این معنا محدود کردن دامنه عمل ناتو در شرق اروپا، کنار زدن دولت زلینسکی و اگر بتواند سرکار آوردن دولت نزدیک به خود، قدرتمند کردن موقعیت خود در میان جمهوریهای جدا شده از شوروی که میباید از سیطره روسیه خود را جدا کنند. چنانکه این اهداف فوری را متحقق کنند، در گام بعدی و به عنوان هدفی میان مدت ملحق کردن اوکراین به روسیه اما هدف بلند مدت و اساسی ناسیونالیسم عظمت طلب روسی اکنون قد علم کرده در مقابل آمریکا و غرب اینست یکبار دیگر به عنوان یکی از معدود قدرتهای بزرگ جهانی همردیف چین و آمریکا و ... موقعیتش را در معادلات جهانی به حساب آورند.

در طرف مقابل، هدف فوری آمریکا و ناتو و اتحادیه اروپا کشاندن روسیه به ماجراجویی و گیرانداختن در جنگ و به زعمشان باتلاق اوکراین، تضعیف اساسی موقعیت اقتصادی و حتی نظامی روسیه، منزوی کردن سیاسی اش در مناسبات جهان و از این طریق به شکست کشاندن جاه طلبی های ناسیونالیسم روسی و پوتین. گسترش دامنه عمل کارکرد ناتو در کشورهای همجوار روسیه و از جمله در اوکراین. متحد کردن بیشتر ناتو و بلوک غرب و بر این اساس آمریکا میخواهد با جبران شکست ها و ناکامیهای تاکنونی، داعیه رهبری جهانی خود را احیا کند. که البته دیگر داعیه ای عبت مربوط به گذشته است.

ابوپکر شریف زاده: کدام طرف به رسیدن به اهدافش نزدیکتر است، آیا امکان تبدیل آن به جنگ بزرگ جهانی وجود دارد؟

رحمان حسین زاده: ما این مصاحبه را در پایان روز چهارم و آغاز روز پنجم جنگ انجام میدهم، در نتیجه هنوز برای قضاوت قطعی زود است. آنچه می بینیم، اگر چه روسیه قدرت مخرب نظامی را به جهان نشان داده، منطقه دنباس و آن دو جمهوری را مستقل کرده، اما در به دست آوردن هدف فوری اش که به اشغال درآوردن سریع اوکراین و مشخصا کی یف پایتخت و ساقط کردن دولت زلینسکی با مشکل جدی روبرو شده و موفق نشده است. برعکس شمارش معکوس به ضرر روسیه شروع شده است. مقاومت ارتش و بخشی از مردم اوکراین شکل گرفته است. امید به ایستادگی در جبهه دولت و ارتش و آن بخش از مردم ناراضی از سیاستها و اقدامات روسیه بیشتر شده است. این ایستادگی حتی کوتاه مدت دو هفته ای و یک ماهه هم اتفاق بیفتد، شکست مهمی برای روسیه خواهد بود. نگرانی از این وضعیت است که پوتین دستور آماده باش به نیروی هسته ای داده و به این معنا تهدید هسته ای میکند و به نظرم این یک تهدید جدی است و اصلا نباید

دست کم گرفته شود. آمریکا و غرب با بورش نظامی روسیه در یکی دو روز اول در شوک فرو رفتند، اما با دیدن مقاومت در اوکراین اعتماد بنفس گرفته اند. روند در مسیر اهداف آمریکا و غرب رقم خورده و دنبال اجرای سریع نقشه های خود علیه روسیه هستند. فوری ترین سلاح دم دستشان "تحریم اقتصادی" را در ابعاد وسیع و تقریبا با حمایت جهانی اعمال کرده اند. این واقعه کمک کرده، شکافهای آمریکا و اتحادیه اروپا و درخود ناتو کاهش پیدا کند و همگامی و اتحاد ایجاد کنند. ناتوی از مدتها قبل زیر سؤال رفته، حتی از جانب مکرون رئیس جمهور فرانسه، اکنون تقویت شده و ضرورتش را یادآور میشوند. آمریکای ضعیف شده و دولت بایدن ضعیف تر یکهو خود را در موقعیت رهبری ناتو و ائتلاف کنونی علیه روسیه یافته است. ناسیونالیسم اوکراینی با نقش محوری زلینسکی موقعیت خود را محکم کرده و دولت اوکراین بیشترین حمایت جهانی را به دست آورده و روسیه منزوی شده است. این معادلات همگی به ضرر روسیه است و البته هنوز معادلات شکننده اند و بسرعت میتواند تغییر کند. میبوسید، آیا خطر تبدیل آن به یک جنگ بزرگ جهانی وجود دارد؟ در واقع همین الان این جنگ در ابعاد جهانی هست، نه در قالب شکل نظامی گسترش یافته در چندین کشور و در اروپا. اما جنگ و تحریم اقتصادی و تردد مقامات بالای کرملین و جدال سیاسی و رسانه ای و به زودی در شکل سایبری ابعاد جهانی پیدا کرده است. فعلا جغرافیای جنگ نظامی محدود به اوکراین است، تازه در این عرصه هم تجهیزات دولتهای ناتو برای دولت کنونی اوکراین سرازیر شده است. در هر حال این مخاطره هست که به یکی از کشورهای همجوار اوکراین کشیده شود، یعنی کشورهای عضو ناتو، آنوقت بسرعت به جنگ نظامی روسیه، ناتو و در واقع به جنگ جهانی دیگری آنهم در شرایط وجود سلاحهای هسته ای طرفین تبدیل میشود. برآستی دنیا و بشریت بر لبه پرتگاه ماندن و نماندن به دست نظام افسارگسیخته کاپیتالیستی قرار گرفته است.

ابوپکر شریف زاده: آیا این جنگ تاکنون بر معادلات جهانی تأثیر گذاشته است؟ واقعا جهان به کدام سو می رود؟

رحمان حسین زاده: در همین چند روز کاملا تأثیر گذاشته است. تهاجم روسیه به اوکراین از بطن رقابت و کشمکش جهان چند قطبی ثبات نیافته ناشی شده است. ناسیونالیسم عظمت طلب روسی به رهبری پوتین قلدر میخواهد در این وضعیت وزنه جهانی خود را در قامت یکی از قدرتهای بزرگ ردیف اول همچون آمریکا و چین بالا بکشد. تا این لحظه به عنوان قدرتی که نظم جهانی موجود را با توان نظامی مخرب به مصاف طلبیده، قد علم کرده است. تغییر معادله و تغییر تناسب قوای بین قدرتهای جهانی کلید خورده است. پیشروی و یا ناکامی و شکست یکی از طرفین اصلی درگیر یعنی روسیه و ناتو و آمریکا سیمای جهان را تغییر پایه ای خواهد داد و معادلات جهانی جدیدی پدیدار میشود. همانطور که مناسبات و سیمای جهان بعد از جنگ جهانی اول و دوم و جنگ سرد و بعد از فروپاشی بلوک شرق تماما تغییر کرد. این بار هم چنین اتفاقی در حال وقوع است. یک مسئله دیگر که البته بعد از کشتار انبوه و ویرانگری فراوان حالت بینابینی توافق و سازش مینتی بر "باخت باخت" طرفین هم محتمل است. در آنصورت هم معادلات جهانی تغییر اساسی پیدا میکند. آنچه روشن است معادلات جهانی کنونی و در آینده به قبل از هجوم نظامی روسیه به اوکراین برنمیگردد، بلکه خود این جنگ بخشی از تغییر در معادلات تاکنونی است. در این بطن جهان به

جنگ در اوکراین:

جهان به کدام سو میرود ...

طرف بربریت نظم سرمایه گام میگذارد.

در این میان و تاکنون قطب جهانی کارگر و مردم و بشریت مترقی و آزادیخواه زیر فشار ظلم و استثمار و کشمکش و خرافه ناسیونالیسم و مذهب و جنگ نیابتی و غیر نیابتی قدرتها و دولتهای نظم جهانی سرمایه کمر خم کرده و به شدت تحت فشار است. صورت مسئله اینست آیا این نیرو، این غول خفته، نیروی کارگر و مردم در سطح جهانی و در سطح کشوری، با صف متمایز و روشن بین و سازمانیافته قد علم میکند و درست همانند انقلاب بلشویکی در جایی، در کشور و یا کشورهای این بساط استثمار و جنگ و خون بوزوازی را به مصاف میطلبد و جارویش میکند؟ با اراده و نیروی عظیم طبقاتی و انسانی نوری بر این دنیای تاریک میتاباند؟ در میان این همه تحلیل و تفسیر و کش و قوسهای بسیار پیچیده دوره کنونی، صورت مسئله کمونیسم کارگری و ما و هر کارگر و فعال کمونیست و آگاه باید بر این وجه مسئله فوکوس کند. باید راه نجات انسان به دست خود انسان را هموار کنیم. در غیر اینصورت مسیر جهان کنونی چیزی جز تباهی برای زندگی میلیاردها انسان ندارد.

ابوبکر شریف زاده: به واسطه این جنگ تاکنون قتل و کشتار و مرگ و ویرانی فراوان و آوارگی و همزمان تحریمهای اقتصادی آمریکا و غرب تحمیل شده، نظر شما در مورد این فجایع چیست؟

رحمان حسین زاده: مشاهده ویران شدن زیر ساختهای اقتصادی و تولیدی و اماکن زندگی و آموزش و تحصیل و مرگ و میر و صدمه دیدن غیر نظامیان و حتی نظامیان بی اراده شده و صف وسیع آوارگان دل هر انسان دردمند را به درد میآورد. ما خود را در کنار درد و محنت این مردم رنجیده و آواره میدانیم. از مسببین آن متفقیم و از سازندگان و شروع کنندگان این جنگ منجزیم. اگر روسیه یورش نظامی را با همه اثرات فاجعه بارش شروع کرده، همزمان آمریکا و متحدینش جنگ دیگری به نام "تحریم اقتصادی" را ظاهراً علیه دولت روسیه، اما در واقع علیه میلیونها انسان سازمان داده است. ما بارها گفتیم تحریم اقتصادی سلاح کشتار جمعی است که توسط آمریکا و غرب بکار گرفته میشود. تجربه تلخ آن را سالها است ما مردم ایران دیدیم که برخلاف پروپاگاند پوچ اپوزیسیون بورژوازی نه تنها موجب کنار رفتن جمهوری اسلامی نشده بلکه بهانه ای به دست این رژیم سیاه داده که با تعرض گسترده به سطح معیشت مردم، فقر گسترده تری را تحمیل کند. تحریم اقتصادی در عراق هم به این شکل بود و اکنون هم این مردم بخت برگشته روسیه اند، که باید تاوان اثرات تحریم اقتصادی غرب را پس بدهند و رژیم ستمگر و فاسد پوتین همه صدمات ناشی از این تحریم را بر دوش میلیونها شهروند روسیه تحمیل میکند و به ابزاری برای ادامه حاکمیت سیاهش تبدیل میشود. تحریم اقتصادی،

سیاستی جنایتکارانه و محکوم است و درست همانند خود این جنگ مورد نفرت و انزجار ما است.

ابوبکر شریف زاده: جمهوری اسلامی رسماً از جنگ دولت روسیه حمایت کرده، این چه عواقبی برای رژیم و حتی مردم ایران خواهد داشت؟

رحمان حسین زاده: همانطور که قابل پیش بینی بود، جمهوری اسلامی از معدود حکومتهایی است که زورگویی میلیتاریستی و هجوم نظامی روسیه به اوکراین را توجیه و حمایت کرده است. قبل از هر چیز ماهیت سراپا کند و ارتجاعی سیاستهای جمهوری اسلامی را یکبار دیگر و برای هزارمین بار جلو چشم جهانیان میگیرد و طبعاً با نفرت روبرو میشود. به علاوه سرسپردگی این رژیم به حکومت پوتین را مجدداً تاکید میکند. جمهوری اسلامی در کنار قمار بزرگ پوتین قرار گرفته، به این امید، و به زعمشان از حاصل احتمالی "پیروزی" تقریباً غیر محال پوتین، آنها هم سهمی ببرند. اما جنبه دیگر این قمار، ناکامی و عقب نشینی و شکست احتمالی پوتین در این ماجرا است، آنوقت مؤلفین روسیه و پوتین هم از چنین ناکامی نصیب خواهند برد و ضرر بسیار خواهند کرد. جنبه بد مسئله آنجا است که جمهوری اسلامی عواقب سرخوردگی اش را در این زمینه هم بر روی مردم سرشکن خواهد کرد. این در صورتی است که همه شواهد نشان میدهد، حمله نظامی پوتین به اوکراین مورد انزجار مردم است. این ماجرا بار دیگر به ما کارگران و مردم آزادیخواه در ایران نشان میدهد، که تنها راه موثر اینست جنبش سرنگونی را به فرجام پیروزی برسانیم. جمهوری اسلامی را سرنگون و به جایش سیستم متکی به اداره شورایی کارگر و مردم و تضمین کننده آزادی و برابری و رفاه همگانی را جانشین کنیم.

ابوبکر شریف زاده: به عنوان سؤال آخر، کارگران و کمونیستها در روسیه و اوکراین و جهان چگونه به این جنگ برخورد کنند و چه آلترناتیوی را باید طرح کنند؟

رحمان حسین زاده: در پاسخ به سؤال اول به این موضوع پرداختم و اینجا دوباره رئوس سیاست کمونیستی در قبال این جنگ و کشمکش که ابعاد جهانی دارد، دوباره تاکید میکنم:

۱- کارگران و مردم ستمدیده جهان و آزادیخواهان و کمونیستها به ویژه در روسیه و اوکراین لازم است به عنوان جنگ امپریالیستی به عنوان کشمکش مخرب قدرتهای جهانی ضد مردم و در این مورد زورگویی میلیتاریستی روسیه نفرت و انزجار خود را از آن اعلام کنند. با آگاهگری و سازمانگری مؤثر و توده ای نیروی مادی اعتراض با پرچم و شعار "نه به جنگ سرمایه داران" را به میدان کشیم. همین جا تاکید کنم، که ما در موضع رسمی اعلام شده حزب از عبارت "محکوم میکنیم" استفاده نکردیم، چون این عبارتی پاسیو و غیر مؤثر است که همگان از دبیر کل بی خاصیت سازمان ملل تا بایند و بوریس جانسون و دبیرکل ناتو و همه سران مرتجع دولتهای سرمایه داری آن را تکرار میکنند. ما فراتر از آن و در صدایی رسا گفتیم؛ "جنگ و کشمکش قدرتهای امپریالیستی و در این مورد زورگویی میلیتاریستی روسیه را ارتجاعی و ضد کارگری و ضد انسانی میدانیم و از

جنگ در اوکراین:

جهان به کدام سو میرود ...

و ایستادگی در مقابل اشغالگری روسیه بتوانند صف جنبش مقاومت و برحق اما متمایز و متفاوت از حرکت و جنبش تحت رهبری دولت زلنیسکی و یا جریانات ناسیونالیست و بخشاً فاشیست در اوکراین را سازمان دهند. اینکار سختی و پیچیدگی خود را دارد، اما ضروری و لازمست آن را ممکن کرد.

۳- در سطح جهان گسترش اعتراض و مقابله با این جنگ و حمایت از کارگران و مردم اوکراین و مقاومت و مبارزات آزادیخواهانه و مترقی آنها وظیفه کارگران و مردم حق طلب و همه ما کمونیستهاست. با پرچم "این جنگ باید متوقف شود"، با شعار "نه به جنگ سرمایه داران" و "دست قدرتهای جهانی، امپریالیسم روسیه و آمریکا و ناتو از سر مردم کوتاه" باید به میدان آمد. وظیفه ما آزادیخواهان است جنبش قوی ضد جنگ سرمایه داران، متفاوت از جنبش ضد جنگ ساخته و پرداخته دولتهای بورژوایی و ناتوی را سازمان دهیم.

۴- جنبش آزادیخواهانه و کمونیستی در کنار مقابله موثر با قدری ملیتاریستی روسیه، با ترفندها و توطئه ها و نقشه های آمریکا و ناتو باید مقابله کند. تحریم اقتصادی را به عنوان سلاح کشتار جمعی مورد اعتراض و نفرت قرار دهد. در یک کلام علیه قدرتهای جهانی و امپریالیستی و دولتهای مرتجع همراه آنها لازمست نیرو جمع کرد و مبارزه انقلابی را سازمان داد. این تنها راه کارساز پایان دادن به استثمار و ستم و جنگ و کشمکش قطبهای بورژوا امپریالیستی و دولتهای مرتج متحد آنهاست. ما به به عنوان کارگران و کمونیستها و آزادیخواهان ایران باید سهم خود را ایفاء کنیم. حزب ما در این راه و بنا به امکانات خود گامهای لازم را بر میدارد.

کارگر و مردم و آزادیخواهان در سطح جهان به ویژه در روسیه و اوکراین میخوایم علیه این جنگ و بانیان آن به میدان آیند". به این ترتیب با مانورهای ارتجاع جهانی و ناتوی زیر نام "محکوم میکنیم" نباید تداعی شد.

۲- به نظر ما طبقه کارگر روسیه و اوکراین و کمونیستها در این دو کشور وظیفه طبقاتی و سیاسی مهمی را در این دوران سخت و حساس تاریخی به عهده دارند. وقت آنست با پرچم مبارزه با "بورژوازی خودی" و برای ساقط کردن هیئت حاکمه های بورژوایی مسبب این جنگ به میدان بیایند. همانطور که در روسیه سال ۱۹۱۷ تحت رهبری حزب بلشویک و رهبری داهیان لنین مظهر انقلاب و آزادیخواهی حاکمیت بورژوایی وقت را سرنگون و انقلاب کارگری را ممکن کردند. اکنون و دوباره حرکت خلاف جریانی و کمونیستی را میطلبید که به دام فضای سنگین ناسیونالیستی نیفتند و سیاست طبقاتی و کارگری و انترناسیونالیستی را احیاء کنند. همین جا به "رهبری حزب کمونیست روسیه کنونی و شخص گنادی زیوگائف دبیر کل آن" و کل احزاب همپالگیشان در جهان باید ننگ و نفرت فرستاد که به نام "چپ و کمونیست" در کنار ارباب جنگی پوتین ناسیونال شوونیست روسیه ایستاده و از این جنگ جنایتکارانه حمایت میکنند. نکته دیگر به ویژه به کمونیستها و آزادیخواهان در اوکراین مربوط است که در دل این مقاومت

یوگزارای مراسم به مناسبت روز جهانی زن در آلمان شهر کلی.

راخوان دهندگان:

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (حوزه کلی)

حزب کمونیست ایران (حوزه کلی)

MARCH 8
INTERNATIONAL WOMEN'S DAY

زمان: شنبه ۵ مارس از ساعت ۱۲ تا ۴

مکان: MELCHIORSTR. 3, 50670 KOLN
KONFERENZRAUM

شماره تماسی جهت هماهنگی: 01738575271

بدینوسیله از همه انسانهای آزادیخواه و پراوری طلب دعوت به عمل می آید

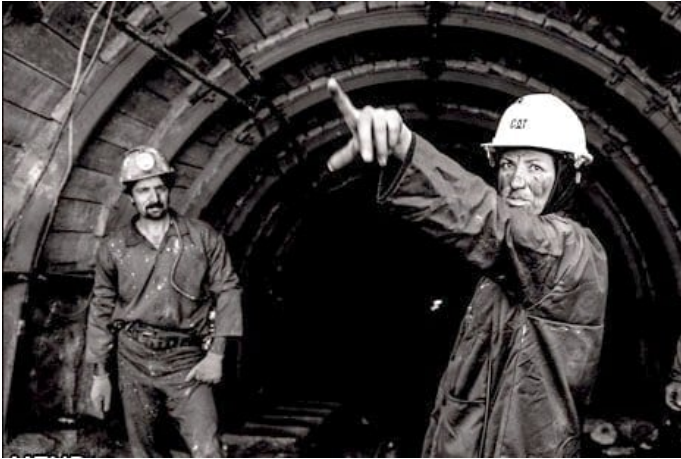
تقدیر این روز باشکوه حضور به هم رسانند

March

آموزش رایگان برای همگان!

اعلامیه حزب حکمیت در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!



بار دیگر دولت و کارفرمایان، برای تحمیل دستمزدی چند بار زیر خط فقر به کارگران دورخیز کرده اند. سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. خط فقر رسمی در ایران بالای شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است. دستمزد فعلی و شیوه "افزایش" آن براساس نرخ تورم جعلی بانک مرکزی، کماکان دستمزدها را دستکم سه بار و در بخشهای بیشتری چند بار زیر خط فقر نگاه میدارد. هدف طرح و لایحه "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای"، که مجموعاً دستمزد دریافتی کارگران را باز هم کاهش میدهد، بازتولید ارزانتر نیروی کار است. همینطور قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه و تورم سنگین و تبعات شناور کردن نرخ دلار هر روز سقوط می کند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر به سفره خالی کارگران است.

کار تبدیل میشود، با توجه به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کلیه شهروندان و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون حاشیه نشین و بیکار و مردم فقر زده، پاسخی به این سوال محوری و کلیدی جامعه است.

از نظر عملی، نظر به سرکوب و فقدان سازمانهای کارگری مستقل و برسمیت شناخته شده، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به مجمع عمومی ممکن است. یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد.

دستمزد پایه کارگران باید شامل همه طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمیت بخشهای مختلف طبقه کارگر را برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

۱۵ دیماه ۱۴۰۰ - ۵ ژانویه ۲۰۲۱

از نظر ما و کارگران پیشرو و کمونیست، "شورای عالی کار" بعنوان نهادی کارفرمایی متشکل از دولت و کارفرما و چند مزدور حکومتی، صلاحیت تعیین حداقل دستمزدها را ندارد. کارگران کمونیست مخالف الگوی سه جانبه گرایی هستند و تصمیمات نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" را برسمیت نمی شناسند. مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب طبقه کارگر از جمله مجمع عمومی کارگران است. یک هدف طرح "دستمزد منطقه ای و توافقی"، برداشتن هر نوع قانون و چهارچوبی در رابطه کارگر و کارفرما و تداوم محرومیت کارگر از تشکل و قرارداد دستجمعی و امنیت شغلی است.

حزب حکمیت همراه با کارگران پیشرو در تعیین و طرح خواستهای طبقه کارگر خود را به "امکانات و مقتدرات" بورژوازی محدود نمیکند. همینطور محاسبه حداقل دستمزدها براساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم "سبد خانواده کارگری" تعیین می کند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. سیاست ما در هم شکستن سیاست تشدید فقر و بمیدان آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت است.

"دستمزد و حقوق پایه مکفی" شعار روز طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده اند و اصلاحیه های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم تر و غیر ایمن تر میکند، از آنجا که تعیین حداقل دستمزد کارگران به مبنائی برای تعیین دریافتی دیگر بخشهای اردوی

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

روزهای تاریک و دردناکی در انتظار مردم اوکراین است

حسین مرادیگی (حمه سور)



اینکه این صف مستقل، زیر سیطره فعلی ناسیونالیسم بورژوائی تقویت شده در اوکراین میتواند شکل بگیرد یا نه آینده این را نشان خواهد داد. سخت است اما اگر رهبران کارگری و کمونیست درون طبقه کارگر در اوکراین به آن آگاه باشند، میتوانند مایه امیدی در تحولات آینده اوکراین باشند.

پوتین بعنوان نماینده ناسیونالیسم عظمت طلبانه روس به موقعیت روسیه بعنوان یکی از قطبهای موجود در جهان چند قطبی فعلی راضی نیست و این بخش از بورژوازی روسیه را نیز فعلاً پشت سر خود دارد. هجوم نظامی پوتین به اوکراین به هدف تجدید و یا بهتر است گفت تحمیل آرایش جهانی جدیدی در جهان چند قطبی است که روسیه اگر نه بعنوان یک ابر قدرت، اما بعنوان یک قدرت جهانی در تقابل با دولت آمریکا و ناتو و دیگر دول بورژوای غرب، پذیرفته شود. پوتین رویای بازگشت به موقعیت اتحاد شوروی سابق و انتقام شکستی را که غرب به آن تحمیل کرده بود در تحقق این هدف جستجو میکند.

این پروژه هم اکنون شکست خورده است حتی اگر پوتین تمام شهرها و مراکز کار و زندگی مردم اوکراین را نیز در هم بکوبد. نابود کردن مدنیت آن جامعه خود دال بر شکست این پروژه است. هرچقدر مقاومت بیشتر شود، پوتین وحشیانه تر محل کار و زندگی مردم بیگناه و بی دفاع را در هم میکوبد. این سرنوشت پوتین و امثال پوتین است که از واقعیت فرار میکنند تا بقیمت قربانی کردن مردم بیگناه و بی دفاع و کشتار هزاران سرباز، فرزندان کارگران و زحمتکشان روسیه و اوکراین، به اهداف جنایتکارانه خود دست یابند.

نتیجه دیگر تهاجم پوتین به اوکراین، نه تنها دولت آمریکا و ناتو، بلکه تمام دول بورژوازی غرب را نیز متحد کرده است. حتی چین دارد از سیاست پوتین فاصله میگیرد. تهاجم پوتین همچنین دخالت غیر مستقیم نظامی دولت آمریکا، ناتو و دیگر دول غرب را با ارسال سلاحهای جنگی مختلف تا هواپیماهای بمب افکن، آنچه که شاهد آن خواهیم بود، نزد افکار عمومی جهان توجیه پذیر کرده است. اوکراین عملاً به مرکز تصفیه حساب و رویارویی مستقیم پوتین، و غیر مستقیم دولت آمریکا، ناتو و دیگر دول غرب تبدیل شده است. آنچه که در این وسط قربانی شده و میشود توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه اوکراین اند. سرازیر شدن سیل آوارگان به کشورهای اروپائی تازه شروع روزهای تاریک و دردناک این مردم است. دول غرب میدانند چه جنگی در حال تکوین است، لذا خود را برای ۴ تا ۵ میلیون آواره این جنگ آماده کرده اند. محاصره اقتصادی روسیه هم قبل از پوتین و بورژوازی حامی او، دامن طبقه کارگر و دیگر مردم محروم جامعه روسیه را خواهد گرفت و زندگی روزانه آنان را تحت فشار شدید قرار خواهد داد.

این جنگ باید فوری متوقف شود. متوقف شدن فوری این جنگ، تنها راه جلوگیری از کشتار بیشتر مردم اوکراین و انهدام مدنیت آن

روز پنجشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، آغاز تهاجم نظامی پوتین برای اشغال اوکراین و درهم کوبیدن و از هم پاشیدن مدنیت آن جامعه است. تحمیل این جنگ به مردم و جامعه اوکراین، تحت هر بهانه ای، جنگی است ارتجاعی، ضد انسانی و از نظر من محکوم است.

موضع عمومی حزب در این مورد که در اطلاعیه آن آمده است که جنگ در اوکراین فراتر از اوکراین است و گوشه ای از تصفیه حسابهای قطبهای بورژوا امپریالیستی است، درست است و سرجای خود باقی است. خواننده میتواند به اطلاعیه حزب در این مورد مراجعه کند. اما به خود این جنگ باید بطور مشخص نگاه کرد. جنگ فعلی حتی با وجود تشابه، با جنگ جهانی اول فرق دارد، کپی ساده جنگ جهانی اول نیست.

درست است که پرولتاریای هر کشور باید تکلیف خود را با بورژوازی آن کشور با بزیر کشیدن دولت بورژوازی در آن، یکسره کند، اما باید دید که این رویارویی نیز در کدام شرایط مشخصی پیش می رود. برای مثال، اشغال اوکراین با خود مقاومت در برابر آن را به همراه میآورد، ناسیونالیسم را تقویت میکند و روی شکاف طبقاتی موجود در آن جامعه سایه می اندازد. همچنین نفرت و انزجار عمیقی در دل این مردم نسبت به نیروهای مهاجم و پوتین و دولت روسیه پوتین که محل سکونت و کار آنان را با تمام قدرت در هم میکوبد ایجاد میکند، برای اینکه خود این جنگ به اندازه کافی نفرت انگیز و انزجار آور است. اینها امروز به واقعیت جامعه اوکراین تبدیل شده اند. هم اکنون حرکت یا جنبش مقاومتی علیه تهاجم پوتین و اشغال اوکراین شکل گرفته است. تعرض نظامی پوتین، کارگران و رهبران کارگری و کمونیست را مجبور کرده است که دست به اسلحه برده و از هستی خود در مقابل هجوم نظامی پوتین دفاع کنند. در نتیجه به کارگر و کمونیستی که مجبور شده اسلحه بردارد و علیه نیروی نظامی پوتین که محل کار و زندگی او و دیگر افراد جامعه را زیر بمباران و توپ باران خود نابود میکند، نمیتوان در همان حال گفت و انتظار داشت که علیه زلنسکی و دولت او نیز وارد جنگ شوند. آنها مجبور شده اند که در این مقاومت شرکت کنند. آنچه که باید متحدانه به آن فکر کنند حفظ صف مستقل خودشان است تا نیرو بشوند تا فردا وزنه مهمی باشند که در تعیین تکلیف آینده جامعه و در تقابل با اقشار مختلف سرمایه، نقش خود را ایفاء کنند وگرنه دوباره امثال زلنسکی ها سرنوشت آن جامعه را تعیین خواهند کرد.

محل را محکوم کرده و علیه آن نیروی خود و دیگر بشریت متمدن و آزادیخواه را فراخوان داده و بسیج کنند. این را آینده برای ما الزام آور خواهد کرد.

تهاجم پوتین به اوکراین، تأثیرات عمیق و احتمالا دامنه داری بر اوضاع عمومی جهان و یکی از روندهای آن که کشمکش و رقابت قطبهای بورژوا امپریالیستی است، میگذارد. هم اکنون مسابقه تسلیحاتی دول بورژوازی کشورهای غرب را برای آنان توجیه پذیر کرده است که هر دلار آن را روی طبقه کارگر و دیگر اقشار محروم آن جوامع سرشکن میکنند، آنهم در شرایطی که هنوز زیر بار تلفات و ضایعات جانی و مالی و روانی و بیرونی کرونا کمر راست نکرده اند.

این جنگ نفرت انگیز باید فوراً قطع شود. سربازان روسیه نباید در کشتار مردم بی دفاع و بیگناه اوکراین و درهم کوبیدن مدنیت آن جامعه شرکت کنند. مردم آزادیخواه روسیه در شهرهای مختلف، علیرغم تهدید پوتین و سران دولت او، زندان و دستگیری را به جان میخرند و به ادامه آن اعتراض میکنند. طبقه کارگر روسیه تجربه غنی و تاریخی ای از جنگ دول بورژوا امپریالیستی را دارد. لازم است رهبران کارگران و کمونیست درون طبقه کارگر روسیه این جنگ را محکوم کنند و همسرنوشتی خود را با طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه اوکراین و دیگر کشورهای اروپائی اعلام کنند.

۲ مارس ۲۰۲۲

روزهای تاریک و دردناکی در انتظار

مردم اوکراین است ...

جامعه است تا راه حل سیاسی ای برای آن امکان پذیر گردد. جنگ تا پیروزی پوتین و انهدام مدنیت آن جامعه همانطور که پیشتر گفتم درب جنگ طولانی را باز میکند که سرنوشت پوتین نیز در آن تعیین میشود، اما بهای آن را مردم بی دفاع و بیگناه اوکراین و کارگران و خانواده سربازان روسیه پرداخت خواهند کرد.

گفتن اینکه این جنگ جنگ ما نیست، کاملاً درست و موضع رهبران کارگری و کمونیست جنبش کمونیستی طبقه کارگر است، اما کافی نیست. کارگران و رهبران کمونیست درون طبقه کارگر لازم است در سطح ماکرو در سیاست دخالت کنند. این دوره میتواند و باید دوره دخالت موثر آنان باشد. این را با همه کمبودهای موجود، وزنه جهانی طبقه کارگر که اکثریت عظیمی را در مقابل بورژوازی همه کشورهای سرمایه داری، تشکیل داده است، ممکن کرده است. باید مخاطرات رقابت قطبهای بورژوازی جهانی و بیمانهای نظامی آنان ناتو و غیر ناتوی دول بورژوازی و اقمار آنان در سطح منطقه ای و

گرامیباد ۸ مارس روز جهانی زن

حزب حکمیتست به همراه شورای استکلم و نیروهای چپ و کمونیست برگزار می کنند

سخنرانی، تبادل نظر و شعرو موسیقی و گفتگوی
جمعی به همراه سرو غذا

زمان: شنبه ۵ مارس ساعت
۱۷:۳۰ تا ۲۱:۰۰

مکان: Rågsveds Folkets Hus
Rågsvedstorget 11, 124 65
Bandhagen

تونلبانا خط سبز به سمت فاشتا سترااند

سخنرانان:

صدیقه محمدی

مهرنوش شفیع

سوسن هجرت

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

تلفن برای تماس و اطلاعات بیشتر: ۰۷۶۷۰۶۰۴۶۱



برای مردم لیبی بعد از ده سال، حاکمیت باندهای تروریستی است. ارتجاعی ترین نیروهای سیاه اسلامی مانند القاعده و حماس و طالبان و داعش را علیه مردم شریف خاورمیانه برای پیشبرد پروژه های ضد انسانی خود ایجاد کردند. اسامه بن لادن و جهادی های افغانستان را اینها راه انداختند و مسلح کردند تا آنروز برایشان علیه رقیب بجنگند. اینها گوشه ای از لیست طولانی

کودتاها و جنگ های آمریکا و شرکایش است. اینها نشان می دهد که ادعای "حقوق بشر" کذابی است، دروغی بیش نیست، سپری است برای پوشاندن خونین ترین اهداف میلیتاریستی و توسعه طلبانه در دست دولتهای غربی.

رسانه ها در تبلیغات چند روزه اخیر جنگ، طوری وانمود می کنند که انگار این فقط روسیه و پوتین هستند که جنگ طلب و تجاوزگر است، قوانین را زیر پا گذاشته و باید مهار شود. گویا خودشان "فرشتگان صلح" و "پرچمداران امنیت و مدنیت" اند. مثلاً به ریاکاری و ادعاهای دروغین اینها در برخورد متفاوت به آواره های اوکراین و آوارگان غیر اروپایی نگاه کنید. ناتو و اروپای طرفدار "حقوق بشر" امکانات خود را برای استقبال از پناهندگان اوکراینی بکار انداختند. دولت انگلیس که در دسامبر گذشته حاضر نشد ۲۷ پناهنده را در آبهای نزدیک این کشور نجات دهند و آنها را در آبهای ساحل انگلستان رها کردند تا غرق شدند، برای استقبال از آوارگان اوکراینی در اقدامی اولیه اعلام کردند که امکانات برای استقرار صد هزار نفر پناهنده اوکراینی را آماده کرده اند.

همین دولت های فخیمه در چند ماه قبل و در سرمای زیر صفر، مانع هزاران پناهنده غیر اروپایی و عموماً از خاورمیانه، از مرز بلاروس به داخل کشورهای اروپای شدند و با شدیدترین شیوه با آنها برخورد کردند. دیواری از سربازان تا دندان مسلح را در راست مرز بلاروس - لهستان مستقر کردند. تا جایی که تعداد زیادی از این انسانهای بیگناه غیر اروپایی از بین رفتند و بقیه را هم مجبور به ترک آنجا کردند. در حین جنگ، سربازان و نیروهای مرزی اوکراین مورد حمایت همه جانبه غرب، فاشیستی ترین برخوردها را به غیر اوکراینی ها کرده اند. طوری که نمونه هایی از آن به رسانه ها درز کرد. برخوردهای فاشیستی به سیاهپوستان و هندی ها و آسیایی ها بحدی زمخت و شنیع است که گوئی همین رسانه ها سخنگوی احزاب فاشیستی اند. آنچه اینروزها در همه دستگاههای تبلیغاتی غرب به خورد مردم داده می شود، دنیایی پر از دروغ و ریاکاری می باشد.

بشریت از ادیخواه و طبقه کارگر در سراسر دنیا نباید فریب تبلیغات دروغین و مسموم غرب را بخورد. باید این ریاکاری و تبلیغات دروغین را افشا و طرد کنند. باید دور و مستقل از تبلیغات دولتهای درگیر و ارتش رسانه ای شان، برای قطع فوری جنگ تلاش کرد.

۳ مارس ۲۰۲۲

جنگ در اوکراین و "حقوق بشر"

دروغین غرب

صالح سرداری

یک هفته از حمله روسیه به اوکراین می گذرد و هنوز هم این جنگ ویرانگر بشدت ادامه دارد. این جنگ تاکنون باعث کشته شدن چند هزار نفر از طرفین و ضرر و زیان بسیاری گشته و نزدیک به یک میلیون نفر اوکراینی، خانه و کاشانه خود را بجا گذاشته و آواره کشور های همجوار شده اند. ادامه این جنگ، که ناتو و غرب هم به حمایت اوکراین برخاسته اند، دنیا را با مخاطرات جدی تری روبرو کرده است. روشن است که این جنگ خلق الساعه نبود، در مسائل حل نشده بعد از جنگ سرد و بویژه در رویدادهای سال ۲۰۱۴ ریشه دارد، و امروز میدانی برای بازتعریف مجدد حوزه نفوذ قدرتهای امپریالیستی است. آمریکا و اروپا و ناتو و روسیه در اکران زور آزمائی می کنند.

آنچه در این یادداشت مورد نظر من است، نه در مورد ماهیت این جنگ و مشقاتی که بر مردم دنیا تحمیل خواهد کرد، بلکه برخورد غرب و ناتو، ایجاد فضای سنگین دروغین رسانه ای و تبلیغات یکجانبه است که برای تحمیل مردم جهان به آن متوسل شده اند. برای انجام اینکار، این روزها دنیا شاهد سازمان دادن یک همه جانبه، از طرف ناتو و غرب برای شکل دادن و مهندسی افکار عمومی مردم سراسر دنیا است. برای پیشبرد این برنامه، کل میدیای دست به سینه، ژورنالیسم ارتجاعی نان به نرخ روز خور، دستگاههای تبلیغاتی ناتو، پارلمانها و دولت ها، کلیسا و صنعت مذهب، فدراسیون های ورزشی، بانک ها و موسسات مالی بورژوازی بکار افتاده اند تا به مردم دنیا بقبولانند، آنچه را اینها میگویند "حقیقت محض" است. ظاهراً جنگ میان "خیر و شر" است.

در واکنش به حمله وحشیانه روسیه، بزرگترین تحریم های همه جانبه را در همه عرصه ها علیه روسیه وضع کرده اند. ریاکاری دولتهای سرمایه داری را مردم جهان بیش از پیش با گوشت و پوست خود حس کرده اند. آمریکا، این مدافع راستین "حقوق بشر"، تنها کشوری است که از بمب اتم علیه مردم ناکازاکی و هیروشیما استفاده کرده است. این مدافعین "حقوق بشر" که تبلیغات آنها گوش دنیا را گر کرده است، بانی همه جنگ ها در اقصی نقاط دنیا بوده اند. به سوریه، افغانستان، لیبی، یمن، لبنان و عراق نگاه کنید و عمق این ریاکاری غرب را ببینید. بیش از پنجاه سال است مردم کوبا را تحریم اقتصادی کردند. خودشان دوره ای از صدام حسین حمایت کردند و مدتی بعد به بغداد و دیگر شهرهای عراق از زمین و هوا حمله کردند و هزاران نفر از جمله کودکان را با بمب های ویرانگر لت و پار کردند. لیبی را ببینید، بعد از حمله به لیبی ارمغان دولت های غربی

نه قومی نه مذهبی هویت انسانی!

دمکراسی و فاشیزم روبنای سیاسی

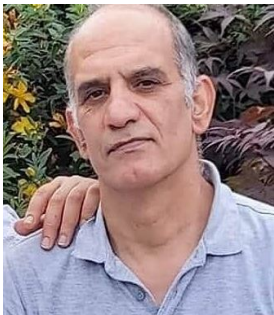
سرمایہ داری

جاوید حکیمی

تظاهرات دهها هزاره نفره در خیابان های اروپا بیش از آنکه مایه امیدواری باشد نگرانی را در اردوی کمونیزم دامن زده است. این جنبشی است کمتر ضد جنگ و بیشتر برای گسترش دامنه و عمق جنگ در ابعادی به مراتب وسیع تر؛ طعنه به ناتوست که چرا به تحریم روسیه اکتفا می کند و جهان را برای دفاع از "تمامیت ارضی اوکراین" به آشوب نمی کشد. اعلام آمادگی برای اعزام به اوکراین جهت جنگیدن در رکاب فاشیستی ترین حکومت، آن هم از جانب کسانی که پیشتر مدعی مبارزه در راه آزادی و برابری بوده اند به راستی ترسناک است. چنین به نظر می رسد جهان پس از مدت ها بار دیگر شاهد نخستین نشانه های هم آغوشی دمکراسی و فاشیزم در خیابان شده است.

واقعیت این است که دمکراسی و فاشیسم روبنای سیاسی یک نظام اقتصادی واحد هستند. جایی که دمکراسی برای حفظ منافع سرمایه کافی نباشد فاشیزم عروج می کند. دفاع از مناسبات تولیدی سرمایه دارانه نقطه اشتراک دمکرات ها و فاشیست هاست. بدینسان و به اعتبار رسالت یکسان و اشتراکات عینی، دمکرات ها بر مراتب به فاشیست ها نزدیکترند تا آزادیخواهان. یک دمکرات تازمانی که مدافع مالکیت بورژوایی است بالقوه یک فاشیست است و یک فاشیست هم می تواند با پرچم دمکراسی پاک سازی قومی کند. اگر در صحت این احکام کمترین شک و تردیدی است به وقایع اوکراین و صف متحد مدافعان رنگارنگ دمکراسی و احزاب فاشیستی بنگرید.

انگیزه های امپریالیست روسیه برای هجوم به اوکراین هرچه باشد آنچه جهان غرب را علیه روسیه بسیج کرده است ظاهرا زیر پا گذاشتن حق تمامیت ارضی است. در اقتصاد در هم تنیده جهان سرمایه داری که هیچ کشوری به واقع مستقل نیست، جنگ بر سر استقلال زبان و فرهنگ و تاریخ و تمامیت ارضی بیداد می کند. ما با مزورانه ترین شکل استثمار و ریاکارانه ترین مناسبات تولیدی سر و کار داریم. نفس تجاوز به اوکراین، بدین معناست که روسیه برای تمامیت ارضی اوکراین پشیزی ارزش قایل نیست اما مگر ناتو جز این عمل کرده است! تبلیغات کر کننده غربی ها مبنی بر اینکه جهان به قبل و بعد از حمله به اوکراین تقسیم شده، صرفا بی اهمیت جلوه دادن تجاوز به دهها نقطه ای است که توسط ناتو به خون کشیده شده است. حتی در همین اوکراین نیز ضربه نخست را ناتو وارد ساخت آنگاه که زلنسکی روسی زبان را تشویق به امحای زبان روس، سرکوب مردمان منتسب به روس و بدتر از همه ملحق شدن به ناتو کرد. غرب می داند اوکراین جزء حوزه نفوذ امپریالیست شرق است و تصرف آن جز با تن دادن به جنگی مهیب میسر نیست و با این همه آگاهانه و مزورانه پای این پروژه رفت.



اما از آن سوی، روسیه برای تجاوز به خاک پاک اوکراین دقیقا به شیوه ناتو و اصولا همه کشورهای امپریالیستی عمل کرده است؛ ابتدا شخصیت های جاه طلب دو استان اوکراین را تشویق و تحریک به مستقل شدن نمود و آنگاه این "دولت های مستقل" را به رسمیت شناخت. این در واقع اعلان جنگ به اوکراین یا دقیقتر

بگوییم به ناتو بود. نقطه عزیمت روسیه برای توجیه این تجاوز آشکار، دفاع از حق مبهم تعیین سرنوشت خلق هاست. بدیهی است ناتو زیر بار این شامورتی بازی نمی رود چرا که خود متخصص اینگونه دغل بازی هاست. ملاحظه می شود امپریالیست های شرق و غرب با رعایت کلیه قواعد بازی به جان هم افتاده اند. این یعنی جنگ همچون بیکاری و بحران اقتصادی، اجتناب ناپذیر و ذاتی نظام حاکم است چرا که ضرورتش ناشی از عوامل بنیادین تری است و نه اتهاماتی که طرفین به سوی هم پرتاب می کنند. حاصل کار آنکه جهان در آستانه بحرانی عظیم قرار گرفته است چرا که روسیه می داند حفظ تمامیت ارضی اوکراین یعنی پذیرش شکست پیش از شروع جنگ. بدیهی است بورژوازی روسیه حاضر نیست بی آنکه منطقه و جهان را به آشوب بکشد زیر بار این تحقیر برود.

شیطان سازی ناتو از شخص پوتین و نسبت دادن آغاز و ادامه جنگ به ویژگی های شخصیتی رئیس جمهوری روسیه، عوامفریبی محض است. غرب چنانکه گفته شد با آگاهی کامل از عواقب سیاست خود و علیرغم قول و قرارهای پیشین همچنان بر این سیاست اصرار می ورزد. در این میان کارگران و تولیدکنندگان نعمات مادی بی آنکه نقشی و نفعی در این جنگ داشته باشند قربانیان مستقیم آن خواهند بود. این فقط و فقط جنگ امپریالیست هاست و موضع کمونیست ها باید همانی باشد که بلشویک ها اتخاذ کردند.

وقایع اوکراین و رویارویی امپریالیست های شرق و غرب، برای کارگران و کمونیست های جهان بطور اعم و طبقه کارگر ایران بطور اخص از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دروغ می گویند که این جدالی میان دمکراسی با دیکتاتوری است. از این ردیلا نه تر اینکه پوتین را به لنین و ناسیونالیسم روسیه را به کمونیزم وصل می کنند. نکته اینجاست که روسیه ظاهرا دارد تاوان نادیده گرفتن حق تمامیت ارضی اوکراین را می پردازد. این هشدار است به کمونیست ها که اصلا تمامیت ارضی را قبول ندارند. سخت نیست تصور اینکه اگر کمونیست های انترناسیونالیست روزی در نقطه ای به قدرت برسند و نه فقط تمامیت ارضی که حق مقدس مالکیت خصوصی را به رسمیت شناسند آنگاه جهان دمکرات چه آشوبی بپا می کند.

در عین حال تظاهرات دهها هزار نفره در خیابان های اروپا آن هم عمدتا با حمایت و خط تبلیغاتی دولتهای غربی حول "دفاع عادلانه از حق تمامیت ارضی" نشان از غلبه بی چون و چرای تبلیغات دست راستی بر اذهان عمومی دارد. به راستی که فرهنگ

دمکراسی و فاشیسم روبروی سیاسی سرمایه داری ...

برای نابودی کمونیزم، امپریالیست ها حتی یکدیگر را هم به نام کمونیزم قلع و قمع می کنند. تمامی جنگ های قومی و قبیله ای و نسل کشی ها را نه در واکاوی تاریخ و جستجوی اختلافات باستانی میان قبایل، که به استناد منافع اقتصادی بورژوازی، توانایی روشنفکران این طبقه در تحلیل روانشناسی توده ها و مغزشویی آنان و نیز فقدان کامل اخلاقیات و خوی نوحه‌دوستی در جامعه مدنی می توان توضیح داد.

الغرض وقایع اوکراین و "قهرمان ملی" شدن زلنسکی فاشیست، هشدار است به کارگران و کمونیست های ایران. اگر بپذیریم نظم سرمایه در ایران به بن بست کامل رسیده است، آنگاه برای خروج از این بحران دو آلترناتیو امپریالیستی و سوسیالیستی موجود است و لاغیر. تردیدی نیست امپریالیست ها نقاب را کنار خواهند زد و با چهره فاشیستی خود به میدان می آید. احزاب و جریاناتی که امروز در خصوص وقایع اوکراین به جای نه به جنگ و نه به امپریالیست ها، جانب رفیق پوتین را گرفته یا داوطلب اعزام به اوکراین برای دفاع از تمامیت ارضی آن کشور شده اند، از همین امروز تعلق خاطرشان را به کمپ فاشیست های آینده اعلام کرده اند.

در عین حال اردوی کمونیزم اگر نتواند متکی به طبقه اجتماعی خود باشد، اگر نتواند جنبش کارگری را با پرچم مستقل حول منافع مستقل خود به میدان بیاورد، بدون تردید توسط توده های تحریک شده از جانب فاشیسم قلع و قمع خواهند شد. این تصور که خیابان همیشه مال ماست و توده ها جز برای آزادی و برابری به میدان نمی آیند، خامی محض است. فاشیسم برخلاف دمکراسی نه متکی به حق رای و صندوق انتخابات بلکه با بسیج توده ها حول اهداف پلید و نژادپرستانه به میدان می آید. جنبش فاشیستی را تنها با جنبش سوسیالیستی می توان شکست داد. در جدال طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی، برنده آن طبقه ای است که نماینده تمام جامعه باشد یا به تعبیری، توده ها را همراه خود کند.

۳ فوریه ۲۰۲۲

حاکم همواره فرهنگ طبقه حاکم است. مبتنی بر همین سلطه فکری و فرهنگی است که بورژوازی قادر می شود به طرفه العینی یک مهره دست نشانده و فاشیستی همچون زلنسکی را تا مرتبه "قهرمان ملی" ارتقا دهد. این دیگر به ما کارگران و کمونیست های ایران خیلی ربط دارد. فراموش نکرده ایم امپریالیست ها چگونه به همین سیاق توانستند خمینی مرتجع و مخالف حق رای زنان را به "رهبر انقلاب" در سال پنجاه و هفت تبدیل کنند؛ انقلابی که آرمانش تحقق آزادی و برابری زنان و مردان بود و دست آخر به پیاده شدن احکام اسلامی، سنگسار زنان و کمونیست کشی منتهی شد.

ایران اکنون زیر سیطره یکی از مستبدترین نظام های سیاسی فی الحال موجود در جهان است و روسیه بزرگترین حامی این حکومت قرون وسطایی. همین موقعیت ویژه برای امپریالیست های غربی بستر مناسبی فراهم آورده که؛ اولاً تا جایی که می توانند با حکومت اسلامی مامشات و مدارا کنند و ثانیاً چنانچه این مدارا نتیجه نداد آنگاه توده های به جان آمده را زیر بیرق یک شخصیت دمکرات و فاشیست حامی غرب از نوع زلنسکی به خط نمایند. بدینسان آنها می توانند خشم سالها تلنبار شده توده ها و نیروی لایزال ناشی از آن را در خدمت خلاص شدن از شر حکومت اسلامی و کمونیست ها توأم بکار اندازند. درست همان کاری که فی الحال در اوکراین بدان مشغول هستند. درست همان بلایی که چهل سال پیش بر سر جامعه ایران آوردند. ملاقات وزارت خارجه آمریکا با آن ملیجک لیبرال در کاخ سفید، اعطای جایزه صلح نوبل به این یکی دیروز اصلاح طلب و کلا ستایش از "روح تسخیرناپذیر ملت غیور ایران" همه و همه در خدمت پروژه کارگر و کمونیست کشی پس از فروپاشی حکومت اسلامی است.

کمونیست ها اگر تاریخاً متخصص ایجاد تشکل و گروه و سازمان بوده اند بورژواها نیز استاد مسلم راه اندازی جنبش های فاشیستی حول شخصیتی سطحی یا حق و حقوقی میهم هستند. سبک کار بورژوازی با مردم و به عبارتی ترفند بورژوازی برای جذب توده ها مبتنی بر کتمان و انکار جدال طبقاتی، تقلیل جدال جنبش های اجتماعی به جنگ میان شخصیت های سوپرمن و بدمن، قهرمان سازی دروغین از دست نشانده های خود و شیطان سازی از دشمنان، و بطور کلی روایت تاریخ به سطحی ترین و مبتذل ترین شکل است. ساده انگاری است اگر خیال کنیم خیابان همیشه مال ماست و توده ها جز به نفع انسان و انسانیت به میدان نمی آیند. حقیقت تلخ تر شاید این باشد که اگر توده ها تسلیم تبلیغات امپریالیست ها شوند آنگاه تمام فضایل جمعیت ناگهان به ردایل تبدیل می شود. آنگاه توده ها قدرت مهیب خود را نه برای ویران کردن نظم سرمایه و ساختن یک دنیای بهتر که برای نابودی دشمن فرضی به کار می گیرند؛ دشمنانی که پیشتر رهبران فاشیست آدرس آنها را به مردمان خشمگین داده اند و چه کسی نمی داند این صاف و ساده یعنی هجوم

اطلاعه

partowTV

بینندگان عزیز

از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست بخش خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون بر تو، رسانه تصویری حزب حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.

ماهواره پایه ست

فرکانس: ۱۲۵۹۲

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

ا ف ای سی: ۲/۲

ساعات پخش به وقت ایران

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعتهای

۴:۳۰ تا ۳:۳۰

۱۰:۳۰ تا ۹:۳۰

۱۶:۳۰ تا ۱۵:۳۰

آموزش رایگان برای همگان!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

دست به تجمع زدند.

تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی
روز یکشنبه هشتم اسفندماه بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی شهرهای شوش، مشهد، تبریز، اراک، قزوین، اردبیل، کرمانشاه، بجنورد، خرم‌آباد، شیراز، شوشتر، رشت و تهران مقابل اداره تأمین اجتماعی شهرستانهای مربوطه دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها هستند.

زنان در صف اول اخراج‌ها

براساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان کشور در پایان سال ۱۳۹۹ به ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار و ۴۷ نفر رسیده است که در مقایسه با سال ۱۳۹۸ از کاهش یک میلیون و ۱۰ هزار و ۴۷۰ نفری خبر می‌دهد. با توجه به تعداد کم زنان شاغلان، عمق فاجعه بیشتر آشکارتر می‌شود؛ چراکه مردانی که طی یک‌سال اخیر شغل خود را از دست داده‌اند، در مقایسه با ۱۹ میلیون و ۹۵۳ هزار مرد شاغل، فقط ۱.۷ درصد از آنان را شامل می‌شوند. این درحالی است که زنانی که شغل خود را از دست داده‌اند، در مقایسه جمعیت ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل در سال ۱۳۹۸، معادل ۱۵.۳ درصد از آنان می‌شوند. این بدین معنی است که نسبت زنان به مردانی که شغل خود را در سال ۹۹ از دست داده‌اند، حدود ۹ برابر است.

عدم ایمنی و حوادث کار

یک کارگر بر اثر واژگونی تریلی شن و ماسه بر سرش دچار حادثه شد و متأسفانه بر اثر این حادثه جان باخت. این حادثه در منطقه سامیان اردبیل در یک گلخانه زمانی رخ داد که یک کارگر ۶۵ ساله، بین تریلر که مشغول تخلیه شن و ماسه بود و دیوار گیر کرد و در پی این حادثه جان خود را از دست داد.

جان سپیده قلیان در خطر است

خانواده سپیده قلیان در روزهای اخیر گفته بودند که سپیده بار دیگر به بیماری کرونا مبتلا شده و «علیرغم بروز نشانه‌های حاد این ویروس» مسئولان زندان اوین از دادن مرخصی استعلاجی به او خودداری می‌کنند. سپیده قلیان که در پرونده اعتراضات هفت‌تپه به پنج سال حبس محکوم شده است، خردادماه امسال نیز به کرونا مبتلا شده بود. خودداری عمدی مسئولین زندان از مرخصی استعلاجی به سپیده قلیان معنی جز این ندارد که می‌خواهند از او انتقام بگیرند.

صفحه ۱۴

هشتمین روز اعتصاب کارگران کارخانه کاغذ پارس

روز پنجشنبه دوازدهم اسفندماه کارگران کارخانه کاغذ پارس هفت‌تپه برای هشتمین روز متوالی به اعتصاب خود ادامه دادند و مجدداً در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. کارفرما تاکنون هیچگونه پاسخی به مطالبات کارگران نداده است و حتی در شرکت نیز حاضر نشده است و تنها از طریق ارباب و تهدید تلاش کرده است که کارگران را وادار به پایان اعتصاب کند. کارگران شرکت کاغذ پارس خواهان افزایش دستمزدها و حذف ده شرکت پیمانکاری مستقر در شرکت هستند. آنها می‌خواهند که تبدیل وضعیت شده و از قرارداد مستقیم با شرکت برخوردار شوند. شرکت کاغذ پارس اکنون حدود ۸۰۰ نفر کارگر دارد که با سوابق بین ۱۰ سال تا ۲۵ سال همگی حداقل‌بگیر و به صورت پیمانکاری در استخدام شرکت هستند.

تداوم اعتراض کارگران معدن زغال‌سنگ طزره

صبح روز شنبه هفتم اسفندماه تعدادی از کارگران پیمانکاری معترض زغال سنگ طزره به همراه خانواده‌هایشان مجدداً در مقابل ساختمان شرکت زغال‌سنگ البرز شرقی تجمع و بر خواسته‌های خود تأکید کردند. مطالبه اصلی کارگران پیمانکاری این واحد معدنی، تبدیل وضعیت شغلی با حذف شرکت‌های پیمانکاری از مجموعه معدن شرکت البرز شرقی بویژه در معدن زغال‌سنگ طزره است که کارگران در آن امنیت شغلی ندارند. از دیگر مطالبات کارگران پیمانکاری معدن زغال‌سنگ، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل است که کارگران از سال‌ها قبل منتظر اجرای آن بوده‌اند.

تداوم تجمع اعتراضی معلمان حق‌التدریسی

روز شنبه هفتم اسفند جمعی از معلمان حق‌التدریسی (قبول شدگان مرحله‌ی سوم دانشگاه فرهنگیان)، در اعتراض به دریافتی پایین و صادر نشدن احکام خود مجدداً مقابل مجلس دست به تجمع زدند. این تجمعات روز یکشنبه هشتم اسفندماه نیز ادامه داشت.

تجمع و اعتصاب کارگران فصلی نیشکر هفت تپه

کارگران فصلی نیشکر هفت تپه در اعتراض به کارهای روزمزد و بدون قرارداد در برابر این کارخانه تجمع کردند. کارگران فصلی می‌گویند، شرکت هفت تپه باید با بستن قراردادهای قانونی و ثابت، امنیت شغلی ما را تأمین کند.

تجمع کارکنان رسمی مخابرات آذربایجان شرقی

روز شنبه هفتم اسفندماه کارکنان رسمی مخابرات آذربایجان شرقی در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق و مطالبات خود برای سومین روز متوالی در محوطه ساختمان مرکز مخابرات تبریز در زعفرانیه

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلائی تبدیل میشود!

منصور حکمت

محاکمات نمایشی فرهنگیان

بنابراین گزارشات منتشر شده قرار است، فرنگیس نسیمپور، علی کروشانی، پیروز نامی از فعالان صنفی استان خوزستان به خاطر دفاع از حقوق معلمان و دانش‌آموزان در روز ۱۷ اسفند محاکمه می‌شوند. همینطور رسولکارگر، فعال صنفی از استان فارس در دادگاه بدوی به یک سال حبس تعزیری که به مدت دو سال تعلیق شده است و تبعید به ارسنجان به مدت دو سال محکوم شده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از این فعالان صنفی خواهان مختومه شدن پرونده آنان است. معلمان زندانی بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

گرامیداشت هشت مارس و امر رهایی زن

کلاب هاوس اتاق "گفتمان سوسیالیستی"



زمان: جمعه ۴ مارس

ساعت ۱۸:۰۰ به وقت اروپای مرکزی و ۲۰:۳۰ به وقت ایران

گفتمان
سوسیالیستی
Join on

clubhouse



مهمانان برنامه:

نسرین ابراهیمی

فریبا امیرخیزی

پروین کابلی

تارا آزادمهر

اعلامیه حزب حکمتیست در باره؛

بحران و جنگ در اوکراین

کارگران علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

ما جنگ طلبی قدرتها و دولتهای امپریالیستی که هدفی جز شکل دادن و بازتعریف نظم جدید بورژوازی را ندارند، و در این مورد مشخص، جنگ و زورگویی میلیتاریستی دولت روسیه را ارتجاعی و ضد کارگری می دانیم. پوتین و بایدن و مکرون و شولتز و جانسون و زلنسکی، عناصر و نمایندگان منافع بخشهای مختلف یک طبقه واحد جهانی، طبقه بورژوازی اند. منافع کارگران در جنگ و صلح بورژواها نمایندگی نشده و نخواهد شد. ما در این بحران نه در کنار دولتها و سیاستها و اهداف ناسیونالیستی و فاشیستی این یا آنسوی جدال، بلکه کنار کارگران در روسیه و اوکراین و کشورهای منطقه علیه دولتهای سرمایه داری قرار داریم. تحریم اقتصادی آمریکا و غرب نه تنها بازدارنده پوتین در این جنگ نیست، بلکه عمدتاً سلاح کشتار جمعی مردم کارگر و زحمتکش و ابزاری در دست هیئت حاکمه روسیه برای توجیه ادامه حاکمیت استبدادی و سرکوبگرش است و از نظر ما سیاستی ضد انسانی و مردود است.

فراخوان ما به طبقه کارگر در روسیه و اوکراین اینست که نیروی جنگ ارتجاعی دولت پوتین و زلنسکی و موئتلفین آنها نشوند. این جنگ کارگران و مردم ستمدیده نیست، جنگ سرمایه داران است. طبقه کارگر در اوکراین و روسیه، نظر به تاریخ طولانی و منافع مشترک، ضروری است که پرچم جنگ علیه بورژوازی "خودی" را برافرازند و تفنگ ها را بسمت هیئت حاکمه و طبقه بورژوازی حاکم بر سرنوشت خود برگردانند و از قدرت ساقطشان کنند.

این جنگ که فی الحال به رنج و درد و آوارگی وسیع منجر شده است، هیچ توجیهی ندارد و باید فوراً متوقف شود. این جنگ تماماً علیه طبقه کارگر و هر روند آزادیخواهانه در جهان امروز است. این جنگ عقبگردهای بزرگ به جوامع تحمیل می کند، به نیروهای مذهبی و فاشیست و متعصب میدان میدهد و آوارگی و مشقت ببار می آورد. جهان امروز تحولات عظیمی را پشت سر می گذارد، طبقه کارگر و کمونیسیت ها بعنوان یک طرف درگیر باید راه حل سوسیالیستی خود را در مقابل اهداف ارتجاعی جنگ سرمایه داران قرار دهند.

در شرایط کنونی، اعلام همسرنوشتی طبقه کارگر و اردوی مردم آزادیخواه در روسیه و اوکراین و اروپا و آمریکا، یک گام مهم برای شکل دادن به یک صف مستقل طبقاتی در مقابل جنگ و اهداف دولتهای بورژوازی است. سیاست کمونیسیم و طبقه کارگر در تحولات مهم جهان، میتواند ختم جنگ با راه حل کارگران باشد.

کارگران! علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

نه به جنگ سرمایه داران!

زنده باد اتحاد انترناسیونالیستی کارگران!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست

۲۵ فوریه ۲۰۲۲

ساعات اولیه صبح روز پنجشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، ارتش روسیه از چند جبهه زمینی و هوایی و دریایی با موشکهای کروز و بالستیک و بمباران، زیر ساختهای نظامی، تأسیسات نیروی هوایی و فرودگاههای نظامی در شهرهای اودسا و خارکف و کی اف در اوکراین را مورد هدف قرار داد.

جنگ دولتهای روسیه و اوکراین بخشی از یک کشمکش وسیعتر جهانی، و اوکراین صرفاً یک میدان جنگ قدرتهای بزرگ بورژوازی است. رسانه ها از بازگشت به دوران جنگ سرد و "جدال دمکراسی و دیکتاتوری" سخن می گویند. دوران جنگ سرد سه دهه پیش تمام شد و بخشهای جدا شده از فروپاشی بلوک شرق سابق، امروز عمدتاً یا عضو ناتو هستند و یا جملگی در بازار جهانی سرمایه مشغول استثمار کارگرانند. ناسیونالیسم عظمت طلب روسی مدتهاست کمر راست کرده و نظم جهانی تحت رهبری آمریکا را به مصاف طلبیده است. چین بعنوان رقیب آمریکا و قدرت اقتصادی جدید و متحد روسیه نیز اهداف اقتصادی و سیاسی خود را دنبال میکند. مردم کارگر و زحمتکش در اوکراین و روسیه قربانی اهداف این تقابلهای ارتجاعی اند.

هدف فوری اعلام شده روسیه و پوتین، نفی عضویت اوکراین در پیمان ناتو، ساقط کردن دولت کنونی آن و سرکار آوردن دولت نزدیک به خود و احیای حوزه نفوذش در جمهوریهای جدا شده از شوروی سابق است. یک هدف دیگر روسیه که بتدریج میتواند جامه عمل بپوشد، الحاق اوکراین به روسیه است. اما هدف اساسی تر ناسیونالیسم عظمت طلب روسی که اکنون پوتین پرچم آن را به دست گرفته است، تحمیل و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک ابر قدرت بازیگر در معادلات جهان چند قطبی است.

در مقابل، آمریکا برای جبران موقعیت ضعیف شده جهانی خود با سیاست مهار چین و روسیه برای گسترش ناتو، تضعیف اقتصادی روسیه، ایجاد شکاف بین روسیه و چین و بویژه روسیه و اروپا تلاش میکند. آمریکا قصد جنگ با روسیه را ندارد و برخلاف ابراز محکومیت های شدید، چه بسا حمله پوتین به اوکراین را فرصتی میداند برای تضعیف موقعیت اقتصادی و سیاسی روسیه و منزوی کردن آن و عرض اندام خود به عنوان بزرگترین قدرت جهانی. اولین نتیجه این حمله متحد کردن مجدد دولتهای غربی حول آمریکا و ناتو، لغو یا تعلیق موقت قرارداد نورد استریم ۲ توسط آلمان، و در موقعیت متناقض قرار دادن دولت چین است. در این فضای کشمکش جهانی و قلدری میلیتاریستی است که چین هم مسئله تایوان را جدی تر از پیش مطرح میکند.

آزادی، برابری، رفاه همگانی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com



در روز جهانی زن

علیه جنگ سرمایه داران!

نه به جنگ، نه به میلیتاریسم!

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر
کارگران است! مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!